



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

اصطلاحات انگلیسی بریتیش | ۲۱ اصطلاح بریتانیایی کاملاً رایج

🕒 ۱۴۰۱/۱۱/۰۳ ارسال شده توسط علی بهادری 📁 مقالات زبان انگلیسی 👁 ۴.۷۸k بازدید



اصطلاحات رایج انگلیسی بریتیش

۲۱+ اصطلاح بریتانیایی با مثال و ترجمه

 <p>Chockablock</p>	 <p>Geezer</p>	 <p>Quids in</p>	 <p>Brolly</p>
---	--	---	--

zabanmaster.com


۲۱ اصطلاح انگلیسی بریتیش

با توجه به این که اصطلاحات بخش مهمی از آموزش زبان انگلیسی به شمار می‌روند، و بسیاری از اصطلاحات انگلیسی امریکایی و بریتیش با هم متفاوت هستند، در این مقاله به رایج‌ترین اصطلاحات انگلیسی بریتیش خواهیم پرداخت.

• Just popping out

زمانی به کار می‌رود که می‌روید بیرون اما قرار است زود برگردید. استفاده از فعل “be” در این اصطلاح خیلی رایج نیست. یعنی نمی‌گویید I’m just popping out بلکه فقط می‌گویید: Just popping out

مثال‌هایی از این اصطلاح:

.Just popping out to get the groceries

می‌روم خرید خانه را بکنم و برگردم

.Just popping out to use the toilet

می‌روم توالت و برمی‌گردم

.Just popping out for a quick phone call

می‌روم یک زنگ بزنگم و برگردم

• Brolly

این کلمه، کوتاه شده umbrella و به معنای “چتر” است. مثلاً:

.Take your brolly, it is raining outside

چترت را ببر، بیرون دارد باران می‌آید

.I forgot to bring my brolly to the office today and now I will get wet in the rain when I leave

امروز فراموش کردم چترم را به دفتر بیاورم و الان وقتی بروم بیرون (دفتر را ترک کنم) از باران خیس می‌شوم

.I always carry a **broolly** in my bag-pack. You never know when it starts to rain in England

همیشه در کوله ام یک چتر دارم (حمل می کنم). در انگلیس هیچ وقت نمی دانی که چه زمانی باران شروع به باریدن می کند

• Take the Tube

این عبارت به معنای با مترو رفتن است و به شکل خاص در انگلستان، و مخصوصا لندن زیاد استفاده می شود. مثلا:

.I **took the Tube** after many months today

امروز بعد از چندین ماه با مترو رفتم (از مترو استفاده کردم)

.I prefer **taking the Tube** to go to work every day. I avoid the morning traffic that way

ترجیح می دهم هر روز با مترو سر کار بروم. این طوری از ترافیک صبح در امانم (فاصله می گیرم)

• Bob's your uncle

شاید معنای این اصطلاح برای بعضی افراد پیچیده باشد و فهمش دشوار؛ اما واقعا اینطور نیست. در واقع این عبارت به معنای "همین و بس" می باشد و مثلا زمانی به کار می رود که تعدادی دستورات عمل به یک نفر می گویند و می خواهید بگویید "به همین سادگی". برای فهم بهتر، مثال ها کمکمان می کنند:

.To make instant noodles, just add hot water and **Bob's your uncle**, they are ready

برای درست کردن نودل آماده (سریع)، فقط آب داغ به آن اضافه کن و همین و بس، (نودل) آماده است.

.Press the power button, type the password and **Bob's your uncle**, you can use the computer now

دکمه روشن خاموش را فشار بده، رمز (گذرواژه) را بزن، و تمام (همین و بس)، می توانی از کامپیوتر استفاده کنی.

• Bodge something

این عبارت به معنی بد انجام دادن یک کار یا گند زدن است. از این اصطلاح مخصوصا زمانی که یک نفر سعی در درست کردن چیزی دارد و گند می زند می توانید استفاده کنید، یعنی آمد ابرویش را درست کند چشمش را کور کرد؛ در ادامه مثال هایی برای این اصطلاح می بینیم:

.I think the plumber boded the pipes in the sink

فکر می کنم لوله کش گند زد توی لوله های داخل سینک

.I think he boded the presentation while editing it

فکر می کنم او در زمان ویرایش ارائه، به آن گند زد

.Make sure you do not bodge the car. It is very expensive

حواسه باشد ماشین را به فنا ندهی. خیلی گران است.

Dench •

این اصطلاح معانی مثبت مثل “خفن” و “باحال” می دهد. مثال:

!That song was dench

آن آهنگ خفن بود

?Isn't this so dench

خیلی خفن نیست؟

.That is a dench winter coat

کاپشن خفنی است.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات رایج انگلیسی امریکایی

Faff •

این کار به معنای وقت کشی کردن است؛ یعنی زمان زیادی می گذارید اما کار کمی انجام می دهید. یا اصلا می تواند زمانی به کار رود که فقط وانمود می کنید دارید کار می کنید بدون این که کاری انجام دهید. مثال:

.Stop faffing around and start doing your homework

وقت کشی را بس کن و شروع به انجام تکالیف کن

.Rob is the only one on the team who does not faff around in the office

راب تنها کسی در دفتر است که وقت کشی نمی کند

Gaff •

معنای این کلمه در انگلیسی مصطلح و محاوره ای با معنای رسمی آن کاملا متفاوت است. معنی محاوره ای این کلمه “خانه” است. مثال:

.Come over to my gaff; we are having a party there

بیا خانه من؛ آنجا مهمانی داریم.

Geezer •

معمولا به آقایانی که در موقعیت های رسمی بسیار خوش پوش است اطلاق می شود. این افراد معمولا کت و شلوار می پوشند و نسبت به لباس پوشیدن خودشان آگاه هستند. این کلمه از کلمه قدیمی انگلیسی **guiser** گرفته شده. توجه داشته باشید که این کلمه در انگلیسی امریکن به معنای عجیب و غریب یا دیوانه است که برای افراد مسن به کار می رود.

.This shirt makes you look like a proper geezer

این پیراهن باعث می شود مثل یک آقای خوش پوش واقعی به نظر برسی

Gobsmacked •

این اصطلاح به معنی شوکه شده است. Gob کلمه ای غیررسمی به معنای دهان است. در واقع یعنی فرد طوری به نظر می رسد که انگار به دهانش زده اند. مثال:

.I was gobsmacked when I found out that I had lost my job

زمانی که فهمیدم که شغلم را از دست داده بودم دهانم باز ماند

Innit •

کلمه ای که در اینجا می بینید، در واقع شکل بسیار محاوره ای و کوتاه شده **?isn't it** است. و معمولا یک پرسش تأکیدی است، نه یک پرسش واقعی. مثلا:

?This place is much better than the last one. Innit

اینجا خیلی بهتر از قبلی است، مگر نه؟

?That is what I said, innit

این حرفی است که من زدم، مگر نه؟

?The weather is perfect today, innit

هوا امروز عالی است، مگر نه؟

Chockablock •

از این اصطلاح زمانی استفاده می شود که یک مکان یا یک چیز بسیار شلوغ یا پر باشد، و به اصطلاح جای سوزن انداختن نباشد. و گاهی کلمه حتی از این هم کوتاه تر می شود و از **chocka** استفاده می کنیم. مثال:

.The suitcase was chockablock with clothes

چمدان پر از لباس بود.

.The roads are so chocka today

جاده ها امروز قیامت است.

.Let's go to another club. This one is **chockablock** with people

بیا به یک کلوب دیگر برویم. این یکی پر از آدم است (خیلی شلوغ است).

• Quids in

در انگلیسی بریتیش به یک پوند می‌گوییم یک quid. بنابراین اصطلاح ما به این معناست که یک نفر پول خوبی در آورده است - احتمالاً بیش از آنچه انتظارش را داشته. به شکل خلاصه یعنی "پول پارو کردن" مثال:

.I will be **quids in** if I get that promotion next month

اگر ماه بعد آن ارتقای شغلی را بگیرم، پول پارو می‌کنم

.Sam was **quids in** after he sold his software to Microsoft

سم بعد از این که نرم افزارش را به مایکروسافت فروخت پول پارو کرد

• Smarmy

این کلمه به معنای دغل باز یا قلابی به کار می‌رود. از این اصطلاح برای افراد غیرقابل اعتماد و مشکوک می‌توانیم استفاده کنیم. مثلاً:

.Do not talk to him again; he looks **smarmy**

دیگر با او صحبت نکن؛ مشکوک به نظر می‌رسد

• Spend a penny

این عبارت یکی از راه‌های مودبانه ایست که می‌توانید به یک نفر بگویید نیاز به استفاده از سرویس بهداشتی دارید. در قرن نوزدهم در انگلستان، مردم برای استفاده از دستشویی‌های عمومی باید یک پنی می‌پرداختند، و این اصطلاح از همانجا می‌آید:

.Excuse me for the moment; I just need to spend a **penny**

یک لحظه من را ببخشید؛ نیاز است که از سرویس استفاده کنم

Wally •

زمانی که یک نفر به نظرتان خنگ است یا در کارش خوب نیست، این کلمه توهین آمیز به کار می آید. نکته جالب اینجاست که همین اصطلاح در انگلیسی اسکاتلندی به معنای خوشایند یا قوی است!

!Do not use a wet cloth to clean your computer, you wally

از پارچه خیس برای تمیز کردن کامپیوترت استفاده نکن، ای احمق!

Pea-souper •

از این عبارت بیشتر برای توصیف مه غلیظ سبز یا مه آلوده یا مه-دود شیمیایی استفاده می شود. مثال:

.I will not be going out today; it is a pea-souper out there

امروز بیرون نمی روم؛ بیرون هوا کثافت است

Blimey •

از این عبارت در زمان شوکه شدن، غافلگیری، یا هیجان زده شدن استفاده می شود. این اصطلاح در واقع از عبارت “God blind me” یعنی خدایا من را کور کن گرفته شده. یعنی یک نفر آنقدر صحنه ای که دیده برایش عجیب است که آرزو می کند ای کاش کور بود و آن صحنه را نمی دید. مثال:

!Blimey! That house just caught fire

وای ددم وای! آن خانه همین الان آتش گرفت

Ace •

این کلمه زمانی استفاده می شود که در یک کار عملکرد فوق العاده ای داشته باشید. مثلا امتحان را عالی بدهید! مثال:

You **aced that interview**

در آن مصاحبه عالی عمل کردی (ترکاندی)!

Jake is **ace at cooking**

جیک در آشپزی حرف ندارد!

Over-egg the pudding •

معمولا زمانی از این اصطلاح استفاده می کنیم که یک نفر می خواهد کاری را بهتر کند و آنقدر شورش را در می آورد که کار خراب می شود. مثال ها:

.Do not over-egg your pudding by using too many big words in your essay

با استفاده بیش از حد از کلمات قلمبه سلمبه در مقاله ات، شورش را در نیاور

.The minister has over-egged the pudding by talking about too many things at once in his speech

نخست وزیر با صحبت کردن راجع به چیزهای مختلف بسیار در سخنرانی اش، شورش را در آورد

Butcher's hook •

این عبارت معادل کلمه look است. مثال:

.I will have a butcher's hook around the market and see if I can find some nice curtains

بازار را یک نگاهی می اندازم ببینم می توانم چند تا پرده خوب گیر بیاورم (یا نه).

سخن پایانی

برای یادگیری درست این عبارات و اصطلاحات تمرین، تکرار و ساخت جمله و مثال ضروریست. این مطلب، تنها یک بخش کوچک از بخش رایگان آموزش زبان انگلیسی زبان مستر بود. امیدواریم از آن لذت برده و استفاده کرده باشید.

بیشتر بخوانید: آموزش رایگان زبان انگلیسی